

سیمرغ درکه

مجموعه شعر شاعران انجمن ادبی درکه

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: زدوار، بهمن.

عنوان و پدیدآورنده: مجموعه شعر شاعران انجمن ادبی درکه / بهمن زدوار.

مشخصات نشر: تهران، مهر و دل، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۴۰ ص، عکس (رنگی)، مصور (بخشی رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۱۲-۶۱-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان دیگر: مجموعه شعر شاعران انجمن ادبی درکه.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها.

Persian poetry -- 20th century -- Collection

رده‌بندی کنگره: PIR۴۱۹۰

رده‌بندی دیویی: ۸۱/۶۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۲۴۸۴

www.ketab.ir

بهمن زدوار
سیمرغ درکه

چاپ اول

زمستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۳۰۰ جلد

طرح جلد: سیاوش برادران

صفحه آرا: مرضیه امانت

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۱۲-۶۱-۵

ISBN: 978-622-7612-61-5

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

 @Mehr.o.del.pub

مقدمه

کرونا آمد و ما ناگزیر رفتیم، شهر شیدایی و شور شعر را از دست داده و محفل‌های شاعرانه مختل شده بود؛ و از آنجا که شاعران را مرگ، ممتد ماندن است، از در خانه و دروازه‌ی شهر سر بر کوه نهادیم به دامنه‌های در که رسیدیم، صخره‌ها و سنگ‌ها را در نور دیدیم و از کنار جویبارها و سبزه‌ها گذر کردیم، مدتی سلطان‌نشین شدیم (کافه سلطان) و از آنجایی که سریر سلطانیان را سریدن در پی است به پیمایش خود پرداخته و به سیمرغ رسیدیم (کافه سیمرغ). بال آغازین را که زدیم هفت شدیم این عدد مقدس و رمز آلود کامل، گویا هفت مرحله عشق از طلب تا فنا دیگر تقدیرمان بود در شبی مهتابی از سیاوش و بهمن و فرنگیس، خرد و حماسه شاهنامه را وام گرفتیم مرادی یافتیم و نعمت خداوند بر ما ارزانی شد تا جاده جاوید و پر جبروت آسمان شعر را چون پور مریم ماندگار پیموده و سرمست می خوشگوار منیت ما را مبدل به ما کند که هر هفت در هیئت هدهد همراه و همدل شده بودیم.

هفت سی شد سی سراینده از سپید تا غزل، رباعی و قصیده همگی با قوت قلب‌های تشنه قدرتی یافتیم و رؤیای قاف و قله در سری به خود نگریستیم و در سیمای دیگری

سیر کردیم، هر یک سی بودیم و هر سی یک، شهد شعر را چشیدیم و تلخی جای را با قند نقد حلاوتی چون آشهی لنا و آحلی بود.

و اگر هرازگاهی نقد و نقطه نظرات متقابل دریای شورانگیز چشمان نگرش شاعران را متلاطم می نمود این موسیقی بود که امواج لبخند را بر همان لبان لبالب از سماجت بر اثبات آرای راهیان شعر رام پذیر می نمود و آنگاه که در پایان هر نشست شبانگاه از کوه سرازیر می شدیم آواز گروهی تنها صدای مشترکمان بود که کوه را به رقص درمی آورد و سرانجام در دامنه‌ی درکه هر کس مسیر خانه خود را در پیش می گرفت. تا دیداری دوباره‌ی دیگر در دو سه شبه‌ی آینده. حیف مان آمد مصور و مکتوب نشویم که سخن هرچه رساتر، اما اگر مرقوم نگردد علیرغم قله و قاف بلاغت و بیان و بدیع زبان، زوال پذیر می گردد و اینجا بود که به تدبیر و تصمیم همگان، «میخوش ولی زاده» گردآوری آثار سرایندگان را علاوه بر راه اندازی انعکاس اشعار و اخبار انجمن در فضای مجازی برعهده گرفت. فضای حقیقی و ماندگاری در قالب کتاب «سیمرغ درکه!» متولد شد که باهمت و حمایت نشر وزین «مهر و دل» به زیر چاپ رفت؛ و این چنین بود که سیمرغ درکه سراز سطور پیش رویتان درآورد.

باشد تا در کتاب‌های بعدی ضرب شصت (شست) در چله کمان کلمه پیکان پرنده‌ی شعر را تا فرامرزهای پارسی زبان ببرد.

بهمن زدوار پاییز ۱۴۰۰ تهران درکه